

بررسی مقایسه‌ای مضامین عاشورایی در شعر ابن حسام خوسفی و شریف رضی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۳

کلثوم قربانی جویباری^۱

زینب صالحی^۲

چکیده

مضامین و مفاهیم وابسته به واقعه‌ی عاشورا یکی از تأثیرگذارترین مضامین دینی در تشیع، اسلام و حتی ادیان دیگر است. در این مقاله، نگارندگان مضامین عاشورایی را در شعر ابن‌حسام خوسفی و شریف رضی بررسی کرده‌اند و پس از نگاهی اجمالی به تأثیر شرایط سیاسی- مذهبی بر دوره‌های شعر عاشورایی، درون مایه و مضمون مرثی‌های عاشورایی دو شاعر مذکور را بررسی کرده و سپس به بررسی تطبیقی آن‌ها با یکدیگر پرداخته‌اند. در مضامین و درون‌مایه‌های مشترک این دو شاعر وجه غالب یا محوریت بحث، جبهه‌ی امام حسین (ع) و یاران و همراهان ایشان است. اما آنچه میان این دو شاعر تمایز دهنده است شیوه‌ی بیان آن‌هاست که خود تا حد زیادی محصول شرایط معیشتی، تاریخی و فرهنگی زمان زندگی آن‌هاست. در اشعار شریف رضی واقع‌گرایی، عینیت تاریخی و در عین حال نوعی خشم و احساس حماسی بسیار برجسته و آشکار است؛ اما در اشعار ابن‌حسام دیدگاه شاعرانه و انتزاعی شاعر فضایی روحانی، معنوی، لطیف و در عین حال آسمانی و مقدس ایجاد کرده است. به‌طور کلی شعر سید رضی از نظر تعداد مضامین بسیار گسترده‌تر از شعر ابن‌حسام است. به‌علاوه در شعر سید رضی اشاره‌های تاریخی و جامعه‌شناختی نیز دیده می‌شود. رویکرد نگارندگان در یافتن و شرح مضامین، تحلیل محتوا بوده و برای این منظور از توصیف زبانی، ادبی و بویژه تاریخی و سیاسی نیز بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: مضامین عاشورایی، تحلیل محتوا، سید رضی، ابن‌حسام خوسفی

kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

۱- مقدمه

یکی از شاخه‌های مهم ادبیات شیعی "شعر عاشورا" است. شعر عاشورا به دلیل تأثر از ماهیت واقعه‌ی کربلا دارای مضامینی است که در انواع دیگر شعر و ادبیات نظیر ندارد. به عبارت دیگر، ادبیات عاشورایی نسبت به گونه‌های دیگر ادبی ظلم‌ستیزتر، انتقادی‌تر، تاریخی‌تر و در واقع پرسوز و گدازتر است؛ زیرا شهادت مظلومانه‌ی خاندان پیامبر و پیروان آنان در کربلا ماهیتی انتقادی، ضد استکباری، تاریخی و در واقع جگرسوز دارد. بی‌شک واقعه‌ی عاشورا یکی از سرچشمه‌های پایان‌ناپذیر ادبیات شیعی در همه‌ی دوران‌هاست و بی‌تردید سرآغاز شعر عاشورایی نیز در روز واقعه و در رجزهایی است که بر زبان شهدا جاری شده است. برای مثال عباس بن علی (ع) برادر امام حسین (ع) در روز تاسوعا، آن‌گاه که ناجوانمردانه و از کمین‌گاه‌های پنهانی مورد حمله قرار گرفت و طفیل بن حکیم دست راست او را قطع کرد، شمشیر به دست چپ گرفت و این رجز را خواند:

وَاللّٰهُ اِنْ قَطَعْتُمْ يَمِيْنِيْ اِنِّيْ اُحَامِيْ اَبَدًا عَنْ دِيْنِيْ
وَ عَنْ اِمَامٍ صَادِقِ الْبَقِيْنِ نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْاَمِيْنِ

(قمی، ۱۴۲۱ ق: ۳۰۳)

- به خدا سوگند اگر دست راست مرا هم قطع کنید تا ابد از دینم حمایت می‌کنم.
- و از امام باورمند به آخرت و از فرزند پیامبر پاک و امین حمایت می‌کنم.
امام حسین (ع) نیز زمانی که همه‌ی یاران ایشان به درجه‌ی شهادت نائل شدند، مقابل لشکر ابن زیاد ایستادند و این رجز را بر زبان مبارک جاری فرمودند:

اَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الطُّهْرِ مِنْ آلِ هَاشِمِ كَفَانِيْ بِهَذَا مَفْخَرًا حِيْنَ اَفْخَرُ
وَ جَدِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اَكْرَمُ مَنْ مَشَى وَ نَحْنُ سِرَاجُ اللّٰهِ فِي الْخَلْقِ يَزْهَرُ

(همان: ۳۱۹)

- من فرزند علی پاک از خاندان هاشم هستم، در هنگام فخر همین مرا کفایت می‌کند.
- و پدر بزرگم پیامبر خدا، گرامی‌ترین کسی است که بر روی زمین راه رفت و ما چراغ درخشان خدا در میان مردم هستیم.

شاعران شیعی نیز تحت تأثیر همین مفاهیم و آرمان‌ها و افتخارات به انعکاس شاعرانه‌ی این رخداد و ابعاد گوناگون آن در آفریده‌های شعری خود پرداختند و به این گونه دفاع از حریم ولایت که در قیام امام حسین (ع) تجلی یافته بود به شعر شاعران بزرگ شیعی مانند سید حمیری، کمیت اسدی، دعبل خزاعی، منصور نمری، دیک الجن، ابن رومی (سیدی و استادی، ۱۳۸۸: ۶۸)، کسای، ابن حسام خوسفی، قوامی رازی، ابن یمین فریومدی، اهلی شیرازی و محتشم کاشانی راه یافت. بی شک هیچ واقعه‌ای تا این اندازه بازخوانی و تکرار نشده است. همین بازخوانی و روایات مکرر نیز سبب شده است که واقعه‌ی کربلا در شعر اعصار مختلف و نزد شاعران گوناگون، بازتاب‌ها و جلوه‌های رنگارنگی داشته باشد.

دو تن از شاعرانی که مضامین و مفاهیم واقعه‌ی عاشورا با رنگ‌های متفاوتی در اشعارشان بازتاب یافته است شریف رضی (سیدرضی) و ابن حسام خوسفی هستند. با این که هر دوی این شاعران پنج قصیده در رثای شهدای کربلا سروده‌اند، اما در پژوهش‌های ادبیات عاشورایی کمتر مورد توجه و امعان نظر بوده‌اند. به همین دلیل، در این نوشتار نگارندگان به بررسی مختصات و سبک فکری مضمون‌ها و مفاهیم عاشورایی خواهند پرداخت که در شعر این دو شاعر دیده می‌شود. برای نیل به این هدف، سؤال‌های زیر مد نظر بوده است:

۱. شعر عاشورایی چه دوران‌هایی را پشت سر گذاشته و شعر شریف رضی و ابن حسام در کدام یک از این دوران‌ها جای می‌گیرند؟
۲. مفاهیم و اندیشه‌های عاشورایی مطروحه در اشعار شریف رضی و ابن حسام چه هستند و چه وجوه اشتراک و افتراقی دارند؟

۲- تأثیر شرایط سیاسی- مذهبی بر دوره‌های شعر عاشورایی

همان‌گونه که پیش از این گفتیم مفاهیم عاشورایی همیشه و به‌صورت یکسان در شعر شاعران شیعی قابل مشاهده نیست، بلکه شرایط سیاسی- مذهبی و اجتماعی سبب می‌شود یکی از مفاهیم در دوره‌ای برجسته‌تر یا کم‌رنگ‌تر شود. یعنی بروز و ظهور یا

خاموشی و خمول این واقعه و نماد و نموده‌های آن، بسته به شرایط سیاسی - مذهبی و حاکمان جوامع و اعصار مختلف بوده است (حسن‌لی و کافی، ۱۳۸۵: ۳۲). می‌توان شعر عاشورایی عربی را به سه دوره تقسیم نمود: ۱. دوره‌ی امامان (علیهم‌السلام) که با شهادت امام حسین (ع) در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری آغاز می‌شود و با غیبت امام مهدی (عج) در سال ۳۲۹ ق. پایان می‌یابد؛ ۲. دوره‌ی پس از غیبت که از اوایل قرن چهارم هجری شروع می‌شود و تا پایان قرن سیزدهم هجری ادامه می‌یابد؛ ۳. دوره‌ی جدید که از ابتدای قرن چهاردهم هجری آغاز شده و تا روزگار ما تداوم داشته است (کرباسی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱: ۱۳). با توجه به این تقسیم‌بندی، هر دو شاعر مورد مطالعه‌ی ما در دوره‌ی اول شعر عاشورایی جای می‌گیرند؛ اما از نظر سیاسی و تاریخی در شرایطی قرار دارند که تا حدی با هم متفاوت است. در بخش بعد، با شرح مختصری از شرایط تاریخی و سیاسی شعر عاشورایی و سپس به‌طور خاص زمان حیات شریف رضی و ابن حسام خوسفی، شباهت‌ها و تفاوت‌های این ازمنه روشن خواهد شد.

۴- شرایط تاریخی ادبیات عاشورایی

با وجود این‌که از آغاز دوره‌ی اموی تا پایان دوره‌ی عباسی شاعران و ادیبان شیعه به دلیل غلبه‌ی مذهب تسنن معمولاً در اقلیت به سر می‌بردند، ادبیات عاشورایی از دوره‌ی اموی در زبان عربی قابل پی‌جویی است. مشهورترین شعرای شیعه در دوره‌ی اموی ابوالاسود دوئلی و کمیت اسدی (سیدی و استادی، ۱۳۸۸: ۷۰) و مشهورترین شعرای شیعی دوره‌ی عباسی نیز مصعب عبدی کوفی، عنان طایبی، سید حمیری، دیک الجن، نمری و ابن رومی هستند و این نوع شعر در قصیده‌ی تائیه‌ی دعبل به اوج خود می‌رسد (همان: ۷۱).

در زبان فارسی نیز ادبیات عاشورایی قدمتی به دیرسالی شعر مکتوب دری دارد (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۳۷). معروف‌ترین شعر در این زمینه سروده‌ی کسایی مروزی (۱۳۸۹: ۷۰-۶۹)، شاعر قرن چهارم است. اما با وجود این، شرایط برای شعرای شیعه‌ی پارسی‌گوی نیز نامساعد بوده است. به گونه‌ای که شیعیان حتی اجازه‌ی عزاداری برای

شهادت کربلا را نداشتند. اما با روی کار آمدن سلسله‌ی آل بویه، بویژه دوران معزالدوله احمد بن بویه (۳۲۰ تا ۳۵۶ ق.)، فصلی دیگر در تاریخ رقم می‌خورد و شرایط در دورانی محدود به نفع شیعیان تغییر می‌کند (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۵۷). معزالدوله دیلمی فرمان داد برای نخستین بار، در روز عاشورای سال ۳۵۲ ق. مراسم عزاداری حسینی به صورت آشکار انجام پذیرد و این جریان به مدت شصت سال ادامه یافت (صفا، ۱۳۵۵، ج ۱: ۲۰۰). بدین ترتیب از حدود قرن پنجم و ششم شعر عاشورایی فارسی، چهره‌ی خود را در ادبیات عاشورایی نشان می‌دهد (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۸۶). اما با روی کار آمدن ترکان، مجدداً تعصبات مذهبی جای تساهل و مدارا را می‌گیرد. سپس با غلبه‌ی مغولان سال‌های آشفته‌گی به ایران باز می‌گردد. با این حال، دوران مغول و بعد از آن، یعنی دوران تیموری، از نظر تساهل دینی قابل قبول‌تر از دوران حکام ترک‌نژاد است. وصف، تعداد شاعران شیعه و آثار شیعی همچنان در اقلیت بود. البته برخی معتقدند شعرهای عاشورایی و شیعی در ادبیات فارسی و عربی، بسیار بیش از این مقدار بوده است که امروزه به دست ما رسیده؛ اما به دلیل عناد حاکمان و تعصب مذهبی این آثار به تدریج از میان رفته یا از میان برده شده‌اند (هاشمی، ۱۳۷۵: ۴). اما به هر روی، نمی‌توان کتمان کرد که به دلیل مذهب رسمی و تبلیغات گسترده‌ی دستگاه حکومت در نظامیه‌ها و مساجد و خانقاه‌ها، مذهب تشیع در اقلیت قرار داشته است، تا این که دور سیاست به پادشاهان صفوی رسید. در این دوران بسامد و روایی شعر عاشورایی بسیار بیشتر شده است؛ چرا که مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی در ایران معرفی شد. حال که با شرایط کلی شعر شیعی آشنا شدیم، می‌توانیم به صورت جزئی‌تر وارد اصل موضوع، یعنی بررسی تطبیقی مضمون عاشورایی، در شعر شریف رضی و ابن حسام شویم.

۵- اوضاع سیاسی - مذهبی

۵-۱- اوضاع سیاسی - مذهبی دوران شریف رضی و شعر وی

ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن موسی الکاظم (ع) مشهور به شریف رضی یا سید رضی در سال ۳۵۹ ق. در بغداد دیده به جهان

گشود (حائری، ۱۹۹۳، ج ۱: ۸۵). نسب پدر شریف رضی به امام موسی کاظم (ع) و نسب مادر به امام حسین (ع) می‌رسد و به همین دلیل است که بهاء‌الدوله وی را به رضی ملقب گردانید (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵، ج ۱: ۱۱). دوران زندگی شریف رضی مصادف است با پایان دوره‌ی دوم حکومت عباسیان (۲۳۲-۳۳۴ ق.) که از خلافت متوکل آغاز می‌شود و با روی کار آمدن آل بویه در بغداد در زمان خلافت المستکفی به پایان می‌رسد (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۵۲). بنابراین زندگی شریف رضی در بغداد عهد درگیری‌ها و اضطرابات (فاخوری، ۱۳۸۵: ۶۶۶) و مملو از درگیری‌های میان فرقه‌ای سنی و شیعه است. آل بویه برای بهبود این اوضاع و اختلافات تلاش می‌کرد و اشخاصی از جمله پدر شریف رضی و دیگران در رفع این درگیری‌ها به دولت حاکم کمک می‌کردند. در این دوران با این‌که تمامی فرق اسلامی آزادانه عمل می‌کردند، اما دو مکتب اعتزال و تشیع بیش از مکاتب دیگر رواج داشت (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۵۲-۱۵۳). سید رضی نیز در علم کلام همان عقاید شیعه را دارد (همان: ۱۵۴) و دروس فقه شیعی امامی را نزد شیخ مفید فرا گرفت (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵، ج ۱: ۱۴). شریف رضی شاعری است بر مذهب تشیع که شعر را نه برای تکسب، بلکه برای دل خود می‌سرود (فروخ، ۱۹۷۹، ج ۳: ۵۹). وی در مضامین فخر، مدح، غزل، وصف و رثا اشعاری سروده است. پنج مورد از اشعار رثایی وی درباره‌ی شهیدان کربلا است.

۵-۲- اوضاع سیاسی - مذهبی دوران ابن حسام خوسفی و شعر وی

محمد بن حسام‌الدین بن شمس‌الدین خوسفی در سال ۷۸۲ یا ۷۸۳ ق. در شهرک خوسف واقع در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی بیرجند دیده به جهان گشود (خوسفی، ۱۳۶۶: یازده). این روزگار مصادف است با تسلط و حاکمیت تیموریان بر ایران. «تیمور در ظاهر معتقد به دین اسلام و مجدد و مروج آن بود و در برابر روحانیان و مشایخ صوفیه به علل سیاسی، تظاهر به تمکین می‌کرد» (ریپکا، ۱۳۸۵: ۳۹۵). به‌طور کلی «عصر تیموری صبغی مذهبی دارد و احترام به پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) مورد توجه بوده و با آن‌که تیموریان سنی مذهب بوده، اما مذهب تشیع کم‌کم در حال

قدرت گرفتن و یافتن جایگاه مناسب خود قرار داشت» (خوسفی، ۱۳۶۶: نه و ده). یکی از ویژگی‌های شعر در این دوره نفوذ آن در همه‌ی اقشار مردم است، بدین ترتیب شاعرانی از طبقات پایین جامعه برمی‌خیزند (ریپکا، ۱۳۸۵: ۴۰۰). ابن حسام نیز یکی از همین شاعران است. «ابن حسام ... از دهقنت نان حلال حاصل کردی و گاو بستی و صباح که به صحرا رفتی تا شام اشعار خود را بر دسته بیل نوشتی» (سمرقندی، ۱۳۷۱: ۴۳۸). در بقیه‌ی تذکره‌ها مانند هفت اقلیم (رازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۲۵)، آتشکده‌ی آذر (بیگدلی شاملو، ۱۳۳۶: ۷۱) و مجالس المؤمنین (شوشتری، ۱۳۶۵: ۵۵۵) و در تواریخ مانند حبیب السیر (خواند میر، ۱۳۳۳، ج ۳: ۳۳۶) و بهارستان (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۲۸) نیز شخصیت و شعر وی همین‌گونه توصیف شده است. اما با وجود این توصیفات، دیوان وی نیز از مدح قدرتمندان عصر خالی نیست. ابن حسام نیز مانند شریف رضی در خانواده‌ای اهل وعظ و پیشوایی پرورش یافته است (ابن حسام، ۱۳۶۶: ۱۱) و پدرش در تربیت وی نقش خاص داشته است (همان: ۱۰۵). پنج مورد از قصاید وی در رثای سالار شهیدان است که در ادامه به بررسی تطبیقی مضامین آن با شعر سید رضی خواهیم پرداخت.

۶- مضامین عاشورایی در شعر شریف رضی و ابن حسام خوسفی

به‌طور کلی می‌توان مضامین عاشورایی در شعر این دو شاعر شیعه را به دو بخش تقسیم کرد: ۱. مضامین مشترک که شامل مضامینی است که در شعر هر دو شاعر دیده می‌شود. البته با توجه به حوادث آن برهه از تاریخ، این دسته از مضامین احتمالاً در اشعار شاعران عاشورایی دیگر نیز دیده می‌شود. به همین دلیل می‌توان آن‌ها را مضامین شکل‌دهنده‌ی گفتمان شعری عاشورایی یا با اندکی تساهل، سبک فکری مشترک شاعران عاشورایی نیز دانست. ۲. مضامین شخصی که شامل مضامینی است که تنها در شعر یکی از شاعران دیده می‌شود. این دسته از مضامین را می‌توان سبک فکری ویژه‌ی هر شاعر نیز دانست؛ زیرا در اندیشه‌ی شاعرانه و تصویرپردازی‌های شاعر دیگر دیده نمی‌شود.

۶-۱- مضامین مشترک

۶-۱-۱- کربلا، محل شهادت

محل شهادت شهدای عاشورا، یعنی «کربلا» یکی از مشترکات مضامین عاشورایی شریف رضی و ابن حسام خوسفی است. هر دو شاعر با نگاهی به حدیث امام حسین (ع) در هنگام ورود به کربلا، یعنی «اللهم إني أعوذ بك من الكرب و البلاء» (عاملی، ۱۳۸۹ق: ۶۶) این واژه را مرکب از «کرب» و «بلا» دانسته‌اند. شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۳) در درون مایه‌ی کربلا فقط به این که سرزمین کربلا قربانگاه شهیدان و خاندان پیامبر (ص) است توجه می‌کند:

کربلا لا زلتِ كرباً و بلاً کم لقی عندک آل المصطفی

(رضی، ۱۳۰۷: ۳۳).

- ای کربلا! الهی پیوسته قرین اندوه و بلا باشی، چه (مصیبت‌هایی) که خاندان مصطفی نزد تو دیدند.

اما ابن حسام خوسفی با نگاهی احساسی‌تر به این مضمون می‌نگرد و آن را جایگاهی برای فریاد و ناله می‌داند و به‌طور کلی فضای گریه و ناله و تحریک احساس خواننده بر قصیده حاکم می‌شود. مضاف بر این که ابن حسام برای این مکان نوعی تقدس قائل است و به همین دلیل واژه‌ی "طواف" را برای آن به کار می‌برد:

کرب و بلاى پرده نشینان اهل بیت در کربلا بجوی که هم کرب و هم بلاست
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۶)

دل‌شکسته و مجروح و مبتلای حسین طواف کرد شبی گرد کربلای حسین
(همان: ۲۲۳)

آن چه در زندگی‌نامه‌ی دو شاعر بدان اشاره شده مسافرت شریف رضی به کربلا (جعفری، ۱۳۷۸: ۹۹) و عدم زیارت مرقد امام حسین (ع) توسط ابن حسام (خوسفی، ۱۳۶۶: ۳۶) چهل و سه است.

۶-۱-۲- مقام و منزلت شهدای کربلا

بی شک امام حسین (ع) که برای دین خدا جهاد کرده و سخت‌ترین فجایع را متحمل شد، هم در دنیای فانی و هم در جهان باقی مقام و منزلت والایی دارد. از همین دیدگاه است که شریف رضی و ابن حسام با اشاره به آیات و احادیث و همچنین استفاده از آرایه‌های ادبی مانند تشبیه، سعی در نشان دادن علو مقام شهدای کربلا دارند و در نهایت نیز خود را شایسته‌ی ثنای امام حسین (ع) نمی‌دانند.

أَمِ اسْتَزِيدُ لَكُمْ عَلًا بِمَدَائِحِي أَيْنَ الْجِبَالِ مِنَ الرَّبِّيِّ وَ وِهَادِيهَا

(شریف رضی، ۱۳۰۷: ۲۸۱).

- یا با مدایح خود بر ارج و منزلت شما بیفزایم. (قله‌ی) کوه‌ها کجا و تپه و گودال کجا؟

تَكْسِفُ الشَّمْسُ شَمُوسًا مِنْهُمْ لَا تُدَانِيهَا ضِيَاءٌ وَ عَلَا

(همان: ۳۳)

- خورشید آسمان خورشیدهایی از آن‌ها را پوشاند در حالی که در (میزان) نور و روشنایی و بلندی مرتبه به آن‌ها نمی‌رسد.

ابن حسام نیز در درون‌مایه اشعار خویش به این موضوع اشاره می‌کند:

در جنب آن اشعه‌ی انوار آفتاب کم‌تر ز لمعه‌ایست که آن ده یکی سهاست

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۷)

هر دو شاعر با الهام از حدیث «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهَدْيِ وَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ» جایگاه ویژه‌ی امام حسین (ع) در اسلام ناب محمدی و اندیشه‌ی دینی مسلمانان را در اشعارشان مطرح می‌کنند. شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۴) با اشاره‌ی نسبتاً دور، شهادت امام حسین را «در هم شکستن نشانه‌های هدایت (هدی)» می‌داند:

يَا قَتِيلًا قَوَّضَ الدَّهْرُ بِهِ عَمَدَ الدِّينِ وَ أَعْلَامَ الْهُدَى

- ای کشته‌ای (شهیدی) که روزگار با شهادت او پایه‌های دین و نشانه‌های هدایت را در هم شکست. ابن حسام نیز چنین می‌گوید:

ز بیم ورطه‌ی طوفان نمی‌توان رست جز آن‌که در این ورطه آشنای حسین

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۵)

شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۴) برای به تصویر کشیدن مقام امام (ع) به جایگاه ایشان به عنوان پنجمین آل عبا (اصحاب کساء) نیز اشاره می‌کند:

قَتَلُوهُ بَعْدَ عِلْمٍ مِنْهُمْ أَنَّهُ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَا

- او را با اینکه می‌دانستند خامس (پنجمین) آل عبا است به شهادت رساندند.

ابن حسام نیز در ابیات زیر به آیه‌ی تطهیر و موضوعات دیگری از جمله مقام والای امام حسین (ع) در نزد خدا اشاره می‌کند و عصمت آن حضرت (ع) را در با بیانی شاعرانه به تصویر کشیده است:

حسین را تو ندانی خدای می‌داند کمال منزلت و عزت و علای حسین
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۴)

تطهیر اهل بیت به قرآن مبین است آخر ببین که پایه‌ی این منزلت کراست
(همان: ۲۲۶)

۶-۱-۳- فخر به خاندان

در بسیاری از ابیات مذکور، شریف رضی و ابن حسام به خاندان امام حسین (ع) اشاراتی نموده‌اند. اما هر کدام در ابیاتی خاص تنها این مضمون را بیان می‌کند:

مَعشَرٌ مِنْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَالصَّهْرَةُ الْبَاذِلُ عَنْهُ نَفْسَهُ
أَوَّلُ النَّاسِ إِلَى الدَّاعِي الَّذِي ثُمَّ سِبْطَاهُ الشَّهِيدَانِ فَنَذَا
وَعَلِيٌّ وَابْنُهُ الْبَاقِرُ وَالصَّوْدِيُّ وَابْنُهُ
كَاشَفَ الْكَرْبِ إِذَا الْكَرْبُ عَرَا وَحَسَامُ اللَّهِ فِي يَوْمِ الْوَعْيِ
لَمْ يَقْدَمْ غَيْرَهُ لَمَّا دَعَا بِحَسَا السَّمِّ وَهَذَا بِالظُّبَيْ
سَادِقُ الْقَوْلِ وَمُوسَى وَالرِّضَا وَالَّذِي يَنْتَظِرُ الْقَوْمَ غَدَا

(شریف رضی، ۱۳۰۷: ۳۵)

- آن‌ها خاندانی از پیامبر خدا (ص) و رفع کننده‌ی اندوه و بلا اند، آن هنگامی که اندوهی آن‌ها را فرا می‌گیرد.

- او که داماد پیامبر است و به خاطر ایشان از جان خویش گذشت و شمشیر خداوند در روز پیکار است.

- او از اولین مردمی است که به سوی دعوت کننده‌ای رفت، هنگامی که مردم را فرا می‌خواند کسی پیشش نرفت (ایمان نیاورد).
 - سپس دو نوه‌ی شهیدش که یکی با زهر و یکی با شمشیر به شهادت رسید.
 - و علی و فرزند وی باقر و امام صادق و موسی و رضا.
 - و علی و پدرش و پسرش و آن شخصی که مردم در انتظار اویند.
 - و آنجا که نام و نسبت او بر زبان رود بابش علی و مادر او مفخر النساست
 - جدش محمد است که از موی و روی او نعتی به شرح سوره‌ی واللیل و الضحاست
- (همان: ۲۲۶)

۶-۱-۴- تشنگی

یکی از وقایعی که مظلومیت امام حسین (ع) و سپاهیان‌ش و همچنین شقاوت و قساوت یزیدیان را به وضوح نشان می‌دهد بستن آب فرات به روی سپاه امام (ع) و تشنگی زنان و کودکان بی‌دفاع و همچنین یاران و اصحاب امام است. به همین دلیل تشنگی شهدای کربلا یکی از مضامین مشترک این دو شاعر است؛ با این تفاوت که ابن حسام نگرشی احساسی و شریف رضی نگرشی حماسی به این رویداد دارد؛ زیرا هر جا که تشنگی یاران امام حسین (ع) را به تصویر می‌کشد، در کنارش از جنگیدن و به‌کارگیری ابزار و ادوات نظامی برای آزار آن‌ها سخن می‌گوید:

لم يَذوقُوا المَاءَ حَتَّى اجْتَمَعُوا بِحَدَى السِّيفِ عَلَى وَرْدِ الرَّدَى

(همان، ۱۳۰۷: ۳۳)

- آن‌ها (امام حسین (ع) و یارانشان) آب ننوشیدند تا این که تمامی آن‌ها با لبه‌ی تیز شمشیر به آب‌شخور مرگ وارد شدند.

و ظامٍ يَرِيغُ المَاءَ قَدْ حَيْلَ دُونَهُ صَقُوهُ ذِيَابَاتِ الرَّقَاقِ البَوَارِدِ

(همان: ۲۸۲)

- و تشنه‌ای که به طرف آب روانه می‌شود اما در مقابل وی مکر و حيله به‌کار می‌برند و او را با نوک تیز شمشیر سیراب کردند.
- ابن حسام نیز با ساختن تصویر رویدن لاله از خون امام و ذکر عزای مظاهر طبیعت و

تشنگی فرزند خردسال امام حسین (ع)، نوعی دیدگاه احساسی را در شعر خود به کار می‌گیرد:
 زحلق تشنه‌ی او رسته لاله‌ی سیراب زخون که موج زد از جانب قفای حسین
 (خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۴)

بر نرگس پر آب و لب تشنه‌ی حسین دریا و کوه و انجم و افلاک در عزاست
 (همان: ۲۲۶)

۶-۱-۵- شهادت

مفهوم شهادت، بی‌تردید یکی از مضامین اساسی شعر عاشورایی است. این مضمون در شعر شریف رضی بیشتر با بیانی حماسی مطرح می‌شود. اما ابن حسام برای پروراندن این مفهوم بیشتر تعبیری عرفانی را به کار می‌گیرد:

مغوار قوم یروع الموت من یده امسی و أصبح نهباً للمغویر
 (شریف رضی، ۱۳۰۷: ۳۷۷)

-دلیر مرد قومی که مرگ از او وحشت داشت (اما امروز) خود غارت تجاوزگران شد.
 دردی کشان بزم شهادت فتاده‌اند ساقی قدس باده‌ی صافی زدن بیار
 (خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۳۳)

ابن حسام برای این که دیدگاه احساسی و سوگوارانه‌ی خود را به اوج برساند در ابیات فراوان تأکید خاصی بر شهادت مظلومانه‌ی حضرت علی اصغر، فرزند خردسال امام علیهم السلام، دارد:

بر گوشه‌ی جگر ز گوشه‌ی داغ و درد و آن داغ بی مرا هم و آن درد بی دواست
 (همان: ۲۲۶)

۶-۱-۶- بریدن سر امام (ع) و شهدا

یکی از وقایع بسیار جانسوز این است که پس از به شهادت رسیدن سالار شهیدان امام حسین (ع) و یارانش، یزیدیان خونخوار و ملعون، دست از جنایات بی‌رحمانه برداشته و به دستور عمر سعد با بی‌رحمی تمام، شروع به بریدن سرهای شهیدان کردند. سپس آن سرهای شریف را به قبیله‌های مختلف بردند تا آن‌ها را به نزد ابن زیاد در کوفه ببرند. این مضمون یکی از پرتکرارترین مضامین در شعر عاشورایی است. شریف رضی (۱۳۰۷:

(۳۴) در بیان این مضمون به سرهای بریده‌ی فرزندان فاطمه (س) به صراحت و بدون به کارگیری صنایع بلاغی اشاره می‌کند:

كَمْ رِقَابٍ مِنْ بَنِي فَاطِمَةَ عَرَقَتْ مَا بَيْنَهُمْ عَرَقَ الْمُدَى

- چه بسیار گردن‌هایی از فرزندان فاطمه (س) که آن چه که بر آن‌ها بود (گوشت) به‌سان جدا کردن گوشت از استخوان با چاقو جدا شد.

اما برخلاف شریف رضی، ابن حسام مانند همیشه با بیانی شاعرانه و استفاده از آرایه‌های ادبی این مفهوم را بیان می‌کند:

طراز طره‌ی مشکین عنبر افشانش خضاب کرد به خون خصم بی وفای حسین
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۳)

۶-۱-۷- سوگواری

با گذشت سیزده قرن و اندی از واقعه‌ی جانگداز کربلای حسینی، هر ساله میلیون‌ها عزادار، ایام محرم را به سوگ حسین (ع) می‌نشینند. مضمون سوگواری در بسیاری از اشعار شریف رضی و ابن حسام دیده می‌شود:

هَلْ تَطْلُبُونَ مِنَ التَّوَاطُرِ بَعْدَكُمْ شَيْئاً سِوَى عِبْرَاتِهَا وَ سَهَادِهَا
لَمْ يَبْقَ ذَخْرُ الْمَدَامِيعِ كَلَّا وَ لَا عَيْنَ جَرَى لِرِقَادِهَا

(شریف رضی، ۱۳۰۷: ۲۷۹)

- آیا بعد از خود از این چشم‌ها چیزی غیر از اشک (ریختن) و شب زنده‌داری می‌خواهید؟
- هرگز اندوخته‌ی اشکی باقی نمانده و چشمی نیست که بخوابد...

ماییم و آب چشم ز هر گوشه‌ای روان لعنت بر آن که با تو بدریاش ماجراست
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۷)

در اشعار شریف رضی، علاوه بر خود شاعر، پیامبر، پدر، مادر و خواهر امام (ع) نیز در سوگ شهدای کربلا عزادارند. در این بخش اشاره‌ای به مقام و منزلت امام نیز هست:

يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ عَايَنْتَهُمْ وَ هُمْ مَا بَيْنَ قَتْلَى وَ سَبَا
لَرَأَتْ عَيْنَاكَ مِنْهُمْ مَنْظَرًا لِلْحَشَى شَجْوًا وَ لِلْعَيْنِ قَدَى

(همان: ۳۳)

- ای رسول خدا (ص) اگر آن‌ها در حالی که گروهی کشته (شهید) و گروهی اسیر هستند می‌دید

- قطعاً چشمان تو صحنه‌هایی را می‌دید که قلب را به درد می‌آورد و چشم خون می‌گرید (موجب غم و اندوه قلب و خار و خاشاک در چشم‌اند).

لَوْ رَسُوْلُ اللهِ يَحْيَا بَعْدَهُ قَعَدَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ لِلْعَزَا

(همان، ۱۳۰۷: ۳۵)

- اگر پیامبر خدا (ص) پس از ایشان (امام حسین (ع)) زنده بود تا به امروز در عزای او می‌نشست.

شَغَلَ الدَّمْعُ عَنِ الدِّيَارِ بَكَؤُنَا لِبِكَاةِ فَاطِمَةَ عَلَيَّ اَوْلَادِهَا

(همان: ۲۷۹)

- اشک‌ها و گریه‌های ما به خاطر گریه‌های فاطمه (س) بر فرزندان ما را از توجه به این سرزمین بازداشت. اما در اشعار ابن‌حسام از سوگواری پدر و جد بزرگوار امام علیهم السلام سخنی به میان نمی‌آید؛ در شعر ابن‌حسام تنها حضرت فاطمه (س) بر جگر گوشه و اهل بیت خود، سخت می‌گرید:

وَا حَسْرَتَا ز دِيْدِي غَمْدِيْدِي بَتُوْلٍ بِرِ اَلْخُوَيْشِ كَرْدَ ز نَرْغَسِ گِهْرِ نَثَارِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۷۷)

ابن‌حسام با بیانی شاعرانه به عزاداری افلاکیان و کروبیان آسمان نیز اشاره می‌کند. از امام صادق (ع) نیز حدیثی در این باره نقل شده است که مؤید سوگواری افلاکیان در عاشورای حسینی است: «وقتی امام حسین (ع) کشته شد آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه و آنچه درون آن‌ها و در میان آن‌ها بود و نیز همه‌ی ساکنان بهشت و جهنم و آنچه به چشم می‌آید و هر آنچه دیده نمی‌شود بر او گریستند» (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۴۵: ۲۰۲):

كُز رُوْزِ وَاقَعَاتِ جِگْرِ گُوْشِي رَسُوْلٍ اَنْ سُرُو بَاغِ عَتْرَتِ وَا نِ گَلْبِنِ تَبَارِ

هَفْتَادِ رِه هَزَارِ مَلَايِكِ سِيَاہِ پُوْشِ بِرِ گَرْدِ رُوْضِهَانْدِ چُو زُوَارِ اَنْ مَزَارِ

كِسُوْتِ سِيَاہِ كَرْدِه بِي مَاتِمِ نَشِسْتِهَانْدِ چِشْمِ پِرِ اَبِ وَا جَانِ خِرَابِ وَا دَلِ نِگَارِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۷۷)

ابن حسام با دید طبیعت‌گرای خود تأثیر فاجعه‌ی کربلا را به طبیعت هم تسری می‌دهد و مظاهر آن را سوگوار امام (ع) می‌داند. مضمون سوگواری مظاهر طبیعت یکی از پربسامدترین مضامین در اشعار عاشورایی ابن حسام است:

از اشک لاله رنگ که چشم شفق فشاند سرخی هنوز بر رخ گلگونه‌ی عشااست
جایی که سنگ خاره بر او ناله می‌کند آب فرات ناله‌کنان گر رود رواست
(همان: ۲۲۷)

۶-۱-۸- عاقبت یزیدیان

سرنوشت دردناک اخروی یزیدیان یکی از مفاهیم دیگری است که هر دو شاعر به آن پرداخته‌اند. اما هیچ یک از آن‌ها به سرنوشت دنیایی آن‌ها و قیام مختار و قتل عام قاتلان شهدای کربلا اشاره‌ای نکرده‌اند. حتی شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۴) از این امر تعجب می‌کند که چرا خداوند عذابی بر یزیدیان نازل نکرده است:

کیفَ لَمْ یستعجلِ اللهُ لَهُم بانقلابِ الأرضِ أو رجِمِ السّما
- چگونه خداوند با زیر و رو کردن زمین یا (فرستادن) شهاب سنگ‌هایی از آسمان (در عذابشان) تعجیل ننمود.

روی گردانی پیامبر (ص) از یزیدیان و دشمنی ایشان با آن‌ها به سبب جور و ستمی که در حق خانواده‌اش روا داشتند، یکی از دیگر عواقب یزیدیان است که شریف رضی در ابیات زیر به آن اشاره می‌کند:

یومَ یغدو وجهه عن معشرٍ
مُعْرِضاً ممتنعاً عند اللّقا

(همان: ۳۶)

- آن روزی که چهره‌ی پیامبر (ص) به هنگام دیدار از گروهی روی گردان است.
اما ابن حسام مولا علی علیه‌السلام را خونخواه فرزند خود در روز قیامت می‌داند:
روز قضا که باب تو دعوی خون کند یک تار موی جعد تو را روضه‌ی خون بهاست
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۷)

ابن حسام با اشاره به آیه‌ی «...لا تُجَزَى نفسٌ عن نفسٍ شیئاً...» (بقره: ۴۸) یزیدیان را به عذاب خداوند وعده می‌دهد:

فردا که هر کس به جزای عمل رسند هر کس بیابد آن چه به کردار خود سزاست (همان: ۲۲۷)

۶-۱-۹- نارضایتی خداوند و پیامبر (ص)

از دیدگاه شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۶) بنی امیه نه تنها سبط رسول (ع) را به شهادت رساندند بلکه دین پیامبر (ص) را تحریف و عهد و پیمانانشان را شکستند و مصیبت‌های زیادی بر خاندان پیامبر وارد کردند و تمامی این‌ها عللی است که شکوهی پیامبر را برمی‌انگیزد:

شَاكِيًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ هَلْ يُفْلِحُ الْجَيْلُ الَّذِي مِنْهُ شَكَا
رَبِّ مَا حَامُوا وَ لَا أَوْوَا وَ لَا نَصَرُوا أَهْلِي وَ لَا اغْتَوَا غِنَا
بَدَّلُوا دِينِي وَ نَالُوا أُسْرَتِي بِالْعَظِيمَاتِ وَ لَمْ يَرْعُوا الْأَلِيَّ

- در حالی که پیامبر (ص) از آن‌ها نزد پروردگار شکایت می‌کند، و آیا نسلی که پیامبر (ص) از آن‌ها شکایت کرد، رستگار می‌شود؟

- پروردگارا! آن‌ها از خانواده‌ی من حمایت نکردند و آن‌ها را پناه ندادند و (به آن‌ها) یاری نرسانده و نیازشان را برطرف نکردند.

- آیین مرا تحریف کرده و ظلم‌های بزرگی را در حق خانواده‌ام روا داشتند و نعمت‌ها را شاکر نبودند.

از دیدگاه ابن‌حسام نیز رفتار یزید در مقابل سالار شهیدان (ع)، کشتن بی‌رحمانه‌ی سپاه ایشان، آتش زدن خیمه‌ها و تمام ابعاد عاشورا تنها ناخشنودی خدا و پیامبر (ص) را برای یزیدیان به همراه داشت.

خدای قاضی و پیغمبر از تو ناخشنود چگونه می‌دهی انصاف ماجرای حسین (خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۴)

۶-۱-۱۰- ظهور منتقم

شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۷۷) انتقام از یزیدیان و بنی امیه را یکی از نتایج ظهور مهدی موعود می‌داند. به همین دلیل بنی امیه را تهدید به انتقام می‌کند و در انتظار روز انتقام

به سر می‌برد:

بنی أمیة ما الاسیاف نائمة
 عن شاهر فی أقاصی الأرض موتور
 إتی لأرقب یوماً لا خفاء
 له عریان یقلق منه کل مغرور

- ای بنی‌امیه (آگاه باشید) که شمشیرهای آخته حتی از دورترین نقاط زمین به انتقام کسانی برمی‌خیزند که خون‌بهایشان را نگرفتند.
 - من در انتظار روزی هستم که پوشیده و پنهان نیست، روزی آشکار که هر انسان خودبینی نگران آن است.

ابن حسام نیز از منتقم حقیقی، مهدی موعود می‌خواهد که با عدالت خود انتقام خون حسین و یارانش را بگیرد:

عالم چو شب سیاه شد از جور شامیان
 ای صبح عدل، مشعل زرین لگن بیار
 (خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۳۳)

۶-۲- مضامین شخصی

افزون بر مضامین مشترکی که در بالا ذکر شد، مضامین و مفاهیم دیگری نیز در اشعار عاشورایی شریف رضی و ابن حسام یافت می‌شود که خاص خود آن شاعر است و شاخصه سبکی‌اش محسوب می‌شود. در ادامه مضامین خاص و شخصی هر شاعر به‌طور جداگانه بررسی می‌شود.

۶-۲-۱- مضامین شخصی شریف رضی

۶-۲-۱-۱- پیمان شکنی کوفیان

امام حسین (ع) و یاران ایشان پس از درخواست کوفیان به‌سوی کوفه حرکت کردند، اما کوفیان در اثر تهدید و ارباب ابن زیاد، پیمان خود با نماینده‌ی امام (ع)، یعنی مسلم بن عقیل را شکستند (ابن کثیر، ۱۴۱۰ ق، ج ۳: ۲). شریف رضی با توجه به این که خود عرب است و به صفات و ویژگی‌های اعراب واقف است؛ یکی از این خصلت‌ها، میهمان‌نوازی است که گویی شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۳). با طنزی تلخ و گزنده این ویژگی کوفیان را به‌سخره می‌گیرد زیرا امام حسین (ع) و یارانش را تنها گذاشتند و فقط صحرای کربلا پذیرای آن‌ها بوده است:

و ضیوفٍ لِفِلاةٍ قَفْرَةٍ نَزَلُوا فِيهَا عَلَى غَيْرِ قَرِيٍّ
- و میهمانانی که بدون هیچ پذیرایی در صحرای خشک و خالی وارد شدند.

۶-۲-۱-۲- عاشورا و جاودانگی آن

عاشورا سندی تاریخی بر حقانیت سیدالشهداء (ع) است که در همیشگی تاریخ جاودانه خواهد ماند. شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۵) نیز در اشعار خود بر ماندگاری و جاودانگی عاشورا و سوگواری حسینی تأکید دارد:

لا أَرَى حَزَنَكُمْ يُنْسَى وَ لا رِزْءَكُمْ يُسَلَى وَ إِنْ طَالَ الْمَدَى
قَدْ مَضَى الدَّهْرُ وَ عَفَى بَعْدَكُمْ لاَ الْجَوَى بَاخَ وَ لاَ الدَّمْعُ رَقَا

- به اعتقاد من اندوه و مصیبت شما فراموش نمی‌گردد، هر چند که مدت طولانی از آن بگذرد.
- پس از شما روزگار سپری شد اما نه شور و اشتیاقی باقی ماند و نه اشکی خشک شد.

۶-۲-۱-۳- سبعت سپاه یزید

تمامی فجایع جانسوز کربلا ابعادی از مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش و سبعت دشمنان ایشان را نشان می‌دهد. اما برخی از ابیات، اختصاصاً به روحیه‌ی سبعانه‌ی این قاتلان اشاره می‌کند:

أَتْرَى دَرَّتْ أَنْ الْحَسِينَ طَرِيدَةً لَقِينَا بَنِي الطَّرْدَاءِ عِنْدَ وِلَادِهَا
(همان: ۲۷۹)

- آیا (فاطمه) به هنگام ولادت امام حسین (ع) می‌دانست که شکار نیزه‌های حیوانات شکاری (منظور یزیدیان) خواهد بود؟

و تَنوَّشُ الوَحْشُ مِنْ أَجْسَادِهِمْ أَرْجَلَ السَّبْقِ وَ أَيْمَانَ التَّدِي

(همان: ۳۳)

- وحشیان از بدنشان پاهای سبقت گرفته‌ی (در کرامت و بزرگواری) و دست‌های بخشنده‌ی آن‌ها را از بدنشان خوردند.

در این جا منظور از "الوحش" ستمگران بنی‌امیه و یزیدیان ظالمی است که قساوت

قلبشان تا حدی بود که از قطعه قطعه کردن اجساد شهدا هیچ ابایی نداشتند. در این بیت به جدا شدن دستان ابوالفضل العباس نیز اشاره‌ای شده است.

۶-۲-۱-۴- استغاثه

امام حسین (ع) در روز عاشوار با دیدن شهادت یارانش در حالی که هیچ یآوری نداشت از پدر، مادر و جد خویش یاری می‌طلبید و فریاد می‌زد «هل من ناصر ینصرنی؟».

مرهقاً یدعو و لا غوثَ لَهُ بأبِ برٍّ و جدِّ مصطفی
و بأُمِ رَفَعِ اللهُ لَهُ عَلَماً ما بَینَ نِسوانِ الوَری
أُیُّ جدِّ و أبٍ یدعوهُمَا جدِّ یا جدِّ اغْثِنِی یا أبَا

(همان: ۳۴)

- آن مورد ستم واقع شده در حالی که هیچ یآوری نداشت پدر نیک و جد برگزیده‌ی خویش را فرا می‌خواند.

- و مادری را (ندا می‌داد) که خداوند نشانه‌ای را در میان زنان جهان برای وی برافراشته بود.

- چه جد و چه پدری را فرا می‌خواند (بیانگر عظمتشان). ای جدّم، ای پدرم به فریادم برسید.

منظور از مستغیث در این ابیات امام حسین (ع) است که از جد، پدر و مادرش در مقابل لشکر کفر بنی‌امیه طلب کمک می‌کرد و استعانت می‌جست.

۶-۲-۱-۵- بر نیزه کردن سر شهدای کربلا

لشکر عمر سعد رفتار ستمگرانه‌ی دیگری که با شهدا پس از جدا کردن سر از بدن آن‌ها داشتند، قرار دادن این سرها بر نوک نیزه بود. این رفتار ناپسند را همان کسانی انجام دادند که بر جد بزرگوارش درود می‌فرستادند.

حملوا رأساً یصلّون علی جدّه الأکرم طوعاً و أبَا

(همان: ۳۵)

- سری را (به سر نیزه) حمل کردند و بردند که چه از روی میل و چه از روی بی میلی بر جد بزرگوارش سلام و درود می‌فرستادند.

۶-۲-۱-۶- عدم غسل و تکفین

پیکرهای شهدای عاشورا در سرزمین کربلا به مدت سه روز بر روی زمین داغ کربلا در حالی که قطعه‌قطعه شده بود، بدون غسل و کفن ماند. شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۴) نیز آن را در ابیات زیر به تصویر می‌کشد و با استفاده از تعبیر «ملقی علی الرّمضاء» گرمای کربلا و پیکرهای افتاده بر خاک را به نمایش می‌گذارد:

و صریحاً عالَجَ الموتِ بِلا
شدّ لحيين و لا مدّ ردی
غسلوهُ بدمِ الطّعنِ و ما
كفّنوه غيرَ بوغاءِ الثّرى

- آن (شهید) افتاده بر زمین که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد بدون این‌که دهانش را ببندد یا پارچه‌ای (بر روی وی) بکشند (بدون این‌که وی را کفن کنند) با خون نیزه‌ها غسل داده و با خاک نرم کفن پوشاندند.

للهِ ملقى على الرّمضاءِ عَضٌّ بِهِ
فمّ الرّدى بينَ اقدمٍ و تشميرِ
(همان: ۳۷۶)

- خدایا به فریاد افتاده‌ای بر زمین داغ برس که دهان مرگ با جسارت و چالاکی وی را به دندان می‌گزد.

۶-۲-۱-۷- اسارت بازماندگان

یکی دیگر از رفتارهای ناپسند و غیر انسانی بنی‌امیه در عاشواری حسینی به اسارت بردن زنان و کودکان به فجیع‌ترین وضعیت ممکن بود. شریف رضی (۱۳۰۷: ۳۳) در ابیات زیر با به تصویر کشیدن جزئیات اسارت و رفتار با اسیران، عمق فجایع کربلا را پس از شهادت امام حسین (ع) به تصویر می‌کشد:

مِن رَمِيضٍ يَمْنَعُ الظَّلَّ و مِن
عاطشٍ يَسْقَى اُنابيبِ القنا
وَ مَسوقٍ عاثِرٍ يَسْعَى بِهِ
خلفٌ محمولٍ على غيرِ وطا

- (اسیرانی) که از شدت گرمای صحرای کربلا پاهایشان می‌سوزد و از سایه منع می‌شوند و نیز تشنگانی که با نیزه‌هایی داغ هم‌چون لوله سیراب می‌شوند (کنایه از به شهادت رسیدن).

- راندگانی که به‌دنبال مرکبی در سرزمینی ناهموار بر پشت شترانی که لاغر اندام و سم ساییده خسته و رنج می‌بردند.

تُسَبِّیٰ بِنَاتٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ بَیْنَهُمْ وَ الدَّیْنُ غَضُّ الْمَبَادِیْ غَیْرُ مُسْتَوِرٍ
(همان: ۳۷۷)

- دختران رسول خدا (ص) را به اسارت بردند در حالی که (نهال) دین تر و تازه و سر سبز است (مستور یعنی پنهان در خاک نیست کنایه از این که سرسبز است).

۶-۲-۲- مضامین شخصی ابن حسام خوسفی

پیش‌تر به مضامین شخصی شریف رضی در باب ادبیات عاشوار اشاره شد. همان‌گونه که پیش از این گفته شد ابن حسام خوسفی نیز به درون‌مایه‌هایی اشاره دارد که شریف رضی به آن‌ها نپرداخته است. البته این مضامین محدودتر است و گستره‌ی کوچک‌تری را در بر می‌گیرد. برخی از این مضامین عبارتند از:

۶-۲-۱- طواف کربلا

ابن حسام سرزمین کربلا را به خاطر وجود پیکر پاک امام حسین (ع) شایسته‌ی طواف می‌داند که آرام هر دل شکسته و مجروح است. کروییان نیز به هوای حسین (ع) بر کربلای حسین (ع) طواف می‌کنند.

دلَم شَکْسْتَه وَ مَجْرُوْح وَ مَبْتَلَایِ حَسِیْن طَوَافُ کَرْدِ شَبِیْ غَرْدِ کَرْبَلَایِ حَسِیْن
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۳).

چو زایران حرم طایران سدره نشین طواف کرب و بلا کرده بر هوای حسین
(همان: ۲۲۴)

۶-۲-۲-۲- ایثار

بی شک تمامی شخصیت‌های کربلا چه آن کسانی که در میدان نبرد در مقابل سپاهیان یزید به نبرد پرداختند و چه آن زنان و کودکان که در خیمه‌ها تمام مصائب را به جان خریده بودند اسوهی ایثار و گذشت هستند. به گفته‌ی ابن‌حسام این ایثار امام حسین (ع) و یاران ایشان برای حفظ امت پیامبر (ص) و دین برگزیده‌ی خدا بوده است:

حسین جان گرامی فدای امت کرد سزاست امت اگر جان کند فدای حسین (همان: ۲۲۴)

۶-۲-۳- شجاعت و جنگاوری

ابن‌حسام علاوه بر مظلومیت امام حسین با بیانی شاعرانه شجاعت و قدرت ایشان را نیز به تصویر می‌کشد:

به روز معرکه چون پای در رکاب آورد سوار ابلق دوران نداشت پای حسین (همان: ۲۲۴)

۶-۲-۴- توصیفات شاعرانه

بسیاری از ابیات مرثیه‌های ابن‌حسام درباره‌ی سالار شهیدان، شامل توصیفات شاعرانه از خلق و خو، صورت و سیرت و ویژگی‌های روحی و جسمی امام حسین (ع) است:

از نکبت عمامه‌ی عنبر شمامه‌اش باد بهشت لخلخه آمیز و عطرساست (همان: ۲۲۶-۲۲۵)

خوش لاله‌ایست عارضت ای نوبهار حسن کان لاله از سلاله‌ی گلزار مصطفاست (همان: ۲۲۷)

شاید بتوان گفت مضامین شاعرانه، وجه غالب اشعار ابن‌حسام است و به صورت حدودی چهار پنجم ابیات اشعار او را در بر می‌گیرد.

۷- تحلیل مضامین

از سال‌های آغازین ادبیات عاشورایی، شاعران شیعی رویکردهای مختلفی به واقعه‌ی عاشورا داشته‌اند، اما می‌توان این رویکردها را به طور کلی به دو دسته تقسیم کرد:

۱. برخی با سرودن مقاتل و سوزناک‌ترین مرثیه‌ها، عواطف را برانگیخته و بیشتر به جنبه عاطفی و روحی آن پرداخته‌اند. ۲. برخی هم نگاهی منتقدانه نسبت به برخورد صرفاً سوگوارانه با حماسه کربلا داشته‌اند و بیشتر از زاویه حماسه و انقلاب و شور ستم ستیزی به آن واقعه نگریسته‌اند و عاشورا را در سروده‌های خود به‌عنوان مکتب مبارزه با ظلم، تبعیض، استبداد و مردم‌فریبی جلوه داده‌اند و از عاشورا برای گسترش بیداری و شور مبارزه با خفقان و بیداد بهره برده‌اند. این دیدگاه گرچه بیشتر در شاعران متأخر و معاصر عرب یا فارس دیده می‌شود، اما در شاعران قدیمی نیز بی‌سابقه نیست. اگر بخواهیم دو شاعر مورد بحث این مقاله را در این دو گروه قرار دهیم ابن حسام تا حد زیادی در گروه اول و شریف رضی نیز در گروه دوم می‌گنجد؛ اما چه در دیدگاه اول و چه در دیدگاه دوم، مفاهیمی وجود دارد که به‌صورت درون‌مایه همواره تکرار می‌شود. این دو شاعر در دو دوره‌ی زمانی مختلف با ویژگی‌های مختلف زیسته‌اند و بنابراین شعر آنان نیز محصول دو فرهنگ و جامعه‌ی متفاوت است. با این حال، مضامین مشترک فراوانی وجود دارد که در شعر هر دو شاعر دیده می‌شود. در اشعار شریف رضی واقع‌گرایی و عینیت تاریخی بسیار برجسته و آشکار است؛ اما در اشعار ابن حسام نخستین چیزی که به چشم می‌آید دیدگاه شاعرانه، طبیعت‌گرا و انتزاعی شاعر است. البته شعر شریف رضی را گونه‌ای خشم و فضای احساسی حماسه‌گونه‌ای هم آکنده است که در شعر ابن حسام به هیچ وجه نمود ندارد. در مقابل، ابن حسام سعی می‌کند فضایی روحانی، معنوی، لطیف و در عین حال، آسمانی و مقدس در شعر خود ایجاد کند. این تفاوت ریشه در عوامل متعددی دارد؛ عرب بودن شریف رضی مهمترین عاملی است که اشعارش را تحت تأثیر قرار داده است. او با وقوف بر فرهنگ اعراب، عمق فاجعه حادثه کربلا را درک کرده است. با اشراف بر کیفیت زندگی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و نیز اطلاع داشتن از خصایل روحی و قبیله‌ای اعراب، توانسته است فاجعه کربلا را تجزیه و تحلیل کند و با دیدگاه حماسی آن را به تصویر بکشد و نیز حکومت خلیفه‌ی عباسی و پشتوانه‌ی شیعی شریف رضی در حکومت آل بویه در زمان خودش یکی دیگر از عواملی بوده که شریف رضی به راحتی توانسته این حادثه را به شکل حماسی و با جرئیات بیشتر مطرح کند.

از دیگر عوامل تفاوت دیدگاه و تصویرسازی شریف رضی با ابن‌حسام در این است که که در دوران شریف رضی خردورزی و منطق‌گرایی رواج پیدا می‌کند که نگاه حماسی و شجاعت وی را تقویت می‌کند. اما کشاورز بودن ابن‌حسام و حکمرانی تیموریان در زمان وی، و عدم پشتوانه‌ی شیعی ابن‌حسام در دوران حکومت تیموریان، رواج تفکرات انتزاعی، عرفانی و شاعرانه در دوران وی و بسیاری عوامل دیگر است که ابن‌حسام به نسبت شریف رضی بیشتر شاعرپیشه است و احساساتی، و شاید عمر کوتاه شریف رضی و جوانی‌اش در نوع نگاهش بی‌تأثیر نبوده باشد.

توصیفات شاعرانه‌ی فراوان بزرگ‌ترین وجه ممیز شعر ابن‌حسام از شعر شریف رضی است و همان‌گونه که پیداست شعر سیدرضی از نظر تعداد مضامین نیز بسیار گسترده‌تر از شعر ابن‌حسام است و شاید بتوان آن را با توصیف‌های متعدد شریف رضی از واقعه و صحنه‌ی عاشورا نیز مرتبط دانست. به‌علاوه در شعر شریف رضی اشاره‌های تاریخی و جامعه‌شناختی مانند پیمان‌شکنی کوفیان، جاودانگی تأثیر عاشورا و اسارت بازماندگان نیز دیده می‌شود. افزون بر این می‌توان گفت محوریت شعر شریف رضی سببیت و وحشی‌گری سپاهیان یزید است که در مضامینی مانند بر نیزه کردن سر شهدا، آتش زدن خیمه‌ها، شادی آن‌ها پس از شهادت اولاد پیامبر (ص) متجلی شده است. در کنار این سببیت، اشاره‌ای نیز به عدم پایبندی آن‌ها به ظاهر و باطن شرع نیز شده است، در اغلب مضامین محوریت بحث با لشکریان یزید است؛ اما در مضامین شخصی شعر ابن‌حسام، محوریت بحث تنها خود امام حسین علیه السلام و مقام ایشان است. شاید این تفاوت در محوریت بحث نیز به این امر بازگردد که شریف رضی کل دستگاه خلافت را غاصب حق امامان می‌دانست و بدین وسیله و از طریق شعر عاشورایی قصد داشته است ناراضایی خود را از شرایط موجود نشان دهد.

نتیجه

ویژگی تمایز دهنده بین دو شاعر، شیوه‌ی بیان و گستره‌ی مضامین است. به‌طور کلی می‌توان گفت وجه غالب در اشعار شریف رضی واقع‌گرایی و عینیت تاریخی است؛ اما در اشعار ابن حسام وجه غالب دیدگاه شاعرانه، طبیعت‌گرا و انتزاعی است. البته شعر شریف رضی را گونه‌ای خشم و فضای احساسی حماسه‌گونه‌ای هم آکنده است که در شعر ابن حسام به هیچ وجه نمود ندارد. در مقابل، ابن حسام سعی می‌کند فضایی روحانی، معنوی، لطیف و در عین حال آسمانی و مقدس در شعر خود ایجاد کند. هم‌چنین با این‌که شاعران مزبور در بیان مضامین عاشورایی عاطفه‌ی صادقی دارند، اما نسبت خویشاوندی شریف رضی با اهل بیت (علیهم السلام) و بازه‌ی زمانی کوتاه‌تری که در میان واقعه‌ی عاشورا و حیات وی وجود دارد، او را در بروز عاطفه‌ی قوی‌تر یاری می‌رساند. چند عامل در این تفاوت‌ها مؤثر است از جمله در روزگار شریف رضی ظلم و ستم خاندان عباسی شایع گشت. بنابراین شریف رضی که معتقد به غصب حقوق اهل بیت (علیهم السلام) توسط عباسیان و امویان است، رسالتی را بر عهده‌ی خود می‌دید. شاید بتوان بخشی از خشم و عینیت‌گرایی شریف رضی را نیز به سبب این دانست که وی خود و بقیه‌ی سادات را نیز به نوعی محق و مغبون می‌یافت. بسیاری از ابیاتی که در اشعار عاشورایی شریف رضی دیده می‌شود کنایاتی به کل دستگاه خلافت، اعم از امویان و عباسیان، است. این کنایه‌ها بی‌تردید به پشت‌گرمی حکومت شیعه‌مذهب آل بویه و فضای تازه‌ی سیاسی بیان می‌شده است. اما ابن حسام خوسفی در سرزمین و زمانی می‌زیست که حاکمیت امویان و عباسیان و به‌طور کلی بساط خلافت برچیده شده بود. لذا منازعات سیاسی دستگاه خلافت با مخالفان آن دیگر وجهی نداشت. به‌علاوه در اندیشه‌ی سیاسی زمان ابن حسام حکومت‌های تغلبیه، به‌عنوان رایج‌ترین نوع حکومت، در ایران و بویژه در خراسان کاملاً پذیرفته شده بود. بنابراین روشن است که در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت که شاعر دیدگاه سیاسی ظلم‌ستیزانه و آشکاری نسبت به حاکمان داشته باشد. افزون بر این طبقه‌ی اجتماعی ابن حسام، به‌علاوه در اقلیت قرار داشتن شیعه در ایران و سنی بودن مذهب رسمی نیز به او اجازه نمی‌داد که خود را درگیر منازعات

سیاسی و جدال‌های مذهبی بی‌پرده و مستقیم کند. بر همه‌ی این عوامل باید شرایط و گفتمان ادبی دوره‌ی تیموری را نیز افزود. در این دوران، شرایط ادبی نیز ایجاب می‌کرد که شاعران، در نهایت شاعرانگی، با کاربرد انواع آرایه‌های بلاغی و تصویرسازی‌های دور از ذهن و در فضایی انتزاعی شعر بگویند. بهترین راه ساختن چنین فضا و تصاویر نیز استفاده از مظاهر طبیعت و کاربرد شاعرانه‌ی آن است.

در روزگار شریف رضی عقل، استدلال، منطق و آزادی اندیشه حاکمیت داشت. تا حدی که بسیاری از ایران‌شناسان عصر آل بویه را رنسانس اسلامی خوانده‌اند. در این دوران تمامی فرق اسلامی و غیر اسلامی به پژوهش و تحقیق می‌پرداختند. از جمله‌ی این فرق، شیعه‌ی اثنی عشری بود که گرایش غالب دستگاه حکومت هم بود. بنابراین طبیعی است که شاعر نیز در چنین فضایی شعر خود را بیشتر به سمت خرد و خردورزی پیش برد. در حالی که در عهد تیموری که میراث‌دار حکومت مغولان بود، توهم، خرافات و عرفان سطحی جای خرد و خردورزی را گرفته است. به عبارت دیگر، نویسندگان و شاعران این دوره بیش از آن که با واقعیت سر و کار داشته باشند، با خیالات شاعرانه و امور انتزاعی سرگرم بوده‌اند. از سوی دیگر، در این دوره ادب و بویژه شعر دچار نوعی تکرار شده بود. به دیگر سخن شاعران در این دوره مضامین شعرای قبل را تکرار می‌کردند و تنها با زبانی دیگر گفته‌های شاعران قبلی را بیان نمودند. به همین دلیل است که می‌بینیم مضامین موجود در اشعار عاشورایی ابن حسام بسیار کم‌تر از مضامین موجود در اشعار شریف رضی است. در شیوه‌ی بیان مضامین نیز ابن حسام تمایل بسیار شدیدی به شاعرانگی و تصویرسازی‌های شاعرانه و در برخی موارد انتزاعی نشان می‌دهد.

منابع

- ابن ابی الحدید، فخرالدین ابوحامد عبدالحمید بن ابوالحدید (۱۹۶۵). شرح نهج البلاغه. به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الجزء الاول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۰ ق.). البدایة النهایه، ج ۳. بیروت: مکتبه المعارف.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قائنات و قهستان. مشهد: دانشگاه فردوسی.

- اعلمی حائری، محمدحسین (۱۹۹۳). *دائرة المعارف الشيعية العامة*. الجزء الاول الخامس العشر. بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- بیگدلی شاملو، لطفعلی بیگ بن آقاخان (آذر) (۱۳۳۶). *آتشکده آذر*. با تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری. تهران: امیرکبیر.
- جعفری، محمدمهدی (۱۳۷۸). *سیدرضی*. ویراست دوم. تهران: طرح نو.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. عنی بتصحیحه و تحقیقه و تزییله عبدالرحیم الربانی الشیرازی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- حسن‌لی، کاووس؛ کافی، غلامرضا (۱۳۸۵). "ویژگی‌های شعر عاشورایی از قرن چهارم تا پایان قرن نهم". *علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، سال شانزدهم و هفدهم، ش ۶۱ و ۶۲ (زمستان و بهار): ۳۱ - ۶۹.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۳۳). *حبيب السیر فی اخبار افراد البشر*. مقدمه جلال‌الدین همائی. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: بی‌نا.
- خوسفی، محمد بن حسام (۱۳۶۶). *دیوان محمد بن حسام خوسفی*. به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. مشهد: اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی.
- رازی، امین احمد (۱۳۷۸). *تذکره هفت اقلیم*. با تصحیح و تعلیقات و حواشی محمدرضا طاهری (حسرت). تهران: سروش.
- ریپکا، یان (۱۳۸۵). *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: علمی و فرهنگی.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۷۱). *تذکره الشعراء*. به تصحیح محمد عباسی. تهران: بارانی.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*. تهران: پالیزان.
- سیدی، حسین؛ استادی، هوشنگ (۱۳۸۸). "تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه (بررسی تطبیقی شعر حماسی- آیینی عاشورایی در گستره ادبیات عربی و فارسی)". *ادبیات تطبیقی*، سال دوم، ش ۸ (زمستان): ۵۷-۹۴.

- شریف رضی، محمد بن ابی احمد حسین (۱۳۰۷). دیوان. تصحیح فقیر احمد عباس الازهری. بیروت: المطبعة الادبیه.
- شوستری، قاضی نورالله (۱۳۶۵). *مجالس المؤمنین*. تهران: اسلامیه.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۵). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- ----- (۱۳۷۹). *حماسه سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- عاملی، عبدالحسین ابراهیم (۱۳۸۹ ق.). *المفید فی ذکر السبط الشہید الحسین بن علی علیه السلام*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- فاخوری، حنا (۱۳۸۵). *تاریخ الادب العربی*. تهران: توس.
- فروخ، عمر (۱۹۷۹). *تاریخ الادب العربی*، الجزء الثالث. بیروت: دارالعلم للملایین.
- قمی، عباس (۱۴۲۱ ق.). *نفس المهموم*. قم: ذوی القربی.
- کرباسی، محمد صادق محمد (۱۴۲۱ ق.). *دایرة المعارف الحسینیة*. لندن: مرکز الحسینی للدراسات.
- کسایبی مروزی، ابوالحسن (۱۳۸۹). *کسایبی مروزی (زندگی، اندیشه و شعر او)*. تحقیق محمد امین ریاحی. تهران: علمی.
- مبارک، زکی (۱۹۳۸). *عبقریة الشریف الرضی*. بیروت: المكتبة العصرية للطباعة و النشر.
- مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹). *شکوه شعر عاشورا*. قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۸). *بحار الانوار*. تهران: المكتبة اسلامیه.
- هاشمی، محمدقاسم (۱۳۷۵). "از صاحب عباد تا محتشم". *مکتب اسلام*. سال سی و هفتم، ش ۹ (آذر): ۶۲ - ۶۸.